13 خرداد 1342

سخنراني تاريخي عصر عاشوراي امام خميني(ره) در مدرسه فيضيه قم

در آغاز محرم سال 1383 ق برابر با خرداد 1342 ش، قم به صورت پايگاه ضد رژيم درآمده و شور خاصي در آن برپا بود. در عصر عاشوراي آن سال برابر با سيزدهم خرداد 1342 ش حضرت امام خميني(ره) با حضور در مدرسه فيضيه، طي سخنان کوبنده‏اي، ضمن انتقاد شديد از رژيم پهلوي و اربابان آمريکايي و اسرائيلي شاهِ ايران، پرده از جنايات طاغوت برداشتند. حضور مردم در سخنراني به اندازه‏اي بود که تمام صحن فيضيه و دارالشفاء، صحن حرم حضرت معصومه، ميدان آستانه و اطراف، مملو از جمعيت بود. در پي سخنراني افشاگرانه حضرت امام، در سحرگاه پانزدهم خرداد سال 1342، دژخيمان رژيم ستمشاهي به خانه ساده و بي‏آلايش امام در قم يورش برده و امام را دستگير و دور از چشم مردم به زنداني در تهران منتقل کردند. هنوز چند ساعتي از اين حادثه نگذشته بود که فرياد مردم معترض و انقلابي، عليه حکومت ديکتاتوري شاه بلند شد و خواستار برقراري حکومت اسلامي و پايان دادن به رژيم ستمشاهي شدند. به همين جرم بود که گلوله‏هاي برخاسته از خشم و کينه حکومت ننگين شاه، قلب هزاران مسلمان انقلابي بپاخاسته را در اين روز نشانه رفت و با به خاک و خون کشيدن آنان، قيام خونبار و جاويد پانزدهم خرداد 42 شکل گرفت.



15 خرداد 1342

قیام خونین 15 خرداد

قیام 15 خرداد، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) می‌باشد. در سحرگاه 15 خرداد 1342، عوامل رژیم شاه به خانه ساده و بی‌آلایش حضرت امام در قم یورش بردند و امام خمینی (ره) که روز پیش از آن در روز عاشورای حسینی در مدرسه فیضیه قم، طی سخنان کوبنده‌ای پرده از جنایات شاه و اربابان آمریکایی و اسرائیلی او برداشته بودند، ‌دستگیر و به زندانی در تهران منتقل شدند. هنوز چند ساعتی از این حادثه نگذشته بود که خیابان‌های شهر قم زیر پای مردان و زنان مسلمان و انقلابی که به قصد اعتراض از خانه‌هایشان بیرون آمده و به حمایت از رهبرشان فریاد برآورده بودند، به لرزه درآمد. همین صحنه در تهران و چند شهر دیگر به وجود آمد تظاهرات مردم رژیم را سخت به وحشت افکند و برای سرکوب این قیام تاریخی به اسلحه روی آورد. در این روز حدود 15 هزار نفر مسلمان انقلابی به خاک و خون کشیده شدند و بدین ترتیب تاریخ ایران اسلامی در روز 15 خرداد ورق خورد و فصل جدیدی در رویارویی مستضعفان با مستکبران گشوده شد. پس از این واقعه در تهران و قم و سایر شهرها دولت به دستگیری و محاکمه روحانیون و مردم ادامه داد. زندان‌ها از روحانیون و بازاری‌ها و کسبه پر شد و عده‌ای نیز محاکمه و اعدام شدند. جریان 15 خرداد هر چند ظاهرا با سرکوب خونین به نفع شاه تمام شد اما در حقیقت ماهیت رژیم ستمشاهی را بیش از پیش برای همگان آشکار کرد و نقطه آغازی برای توفان عظیم انقلاب اسلامی گردید که ظرف 15 سال با مجاهدت و ایثار و جانبازی عده زیادی از حق طلبان و مجاهدان راه خدا به پیروزی رسید و تاروپود رژیمی که اقتدار خود را در وابستگی به ابرقدرت‌ها و نیروی نظامی می‌دانست مانند تار عنکبوت از هم گسست.



21 خرداد 1342

اعتصاب سراسري تهران به مناسبت هفتم شهداي 15 خرداد

پس از دستگيري امام خميني(ره) و وقوع قيام خونين 15 خرداد 1342، حوزه‏هاي علميه عراق و نيز مردم شهرهاي ايران حمايت خود را از امام و تنفر خويش را نسبت به اعمال وحشيانه رژيم شاه اعلام نمودند و خواستار آزادي فوري رهبر نهضت اسلامي ايران شدند. در ادامه اين اعتراضات، اعتصاب سراسري تهران در 21 خرداد 1342 به مناسبت هفتم فاجعه خونين 15 خرداد، ضربه‏اي بود که رژيم طاغوت را درمانده‏تر کرد. همچنين مهاجرت علما و مراجع قم و مشهد و علماي سرشناس شهرستان‏ها به تهران موجب شد که رژيم، تن به سياست آرام‏سازي و تشنج‏زدايي زند و با آزادنمايي رهبر نهضت اسلامي ايران، خشم‏ها را فرو نشاند.

11 آبان 1342

تیرباران طیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی به جرم دفاع از امام خمینی

شهید حاج اسماعیل رضایی و شهید طیب حاج رضایی، از بارفروشان میدان بار تهران بودند که در برپایی قیام 15 خرداد 1342 نقش مؤثری داشتند. پس از واقعه 15 خرداد، طیب حاج رضایی به عنوان یکی از محرکین اصلی تحت تعقیب قرار گرفت به طوری که فرمانداری نظامی تهران طی گزارشی ویژه، به شاه اعلام کرد شخص طیب حاج رضایی مسئوول اصلی این اقدامات است. از آن پس، طیب حاج رضایی و اسماعیل رضایی دستگیر شدند و به مدت 5 ماه در زندان رژیم منفور پهلوی زیر شکنجه‏ها مقاومت کردند. پایمردی آنان به حدی بود که شهادت را بر عفو شاه خائن ترجیح دادند. شهید طیب که از کوثر وجود خمینی بت شکن سیراب شده و زنده دست روح خدا بود، دربرابر همه شکنجه‏ها و سختی‏های زندان مقاومت کرد و مردانه ایستاد. او حاضر نشد از راه جدیدی که انتخاب کرده بود جدا شود و علیه نهضت اسلامی موضعی بگیرد. به همین دلیل نیز وی به همراه اسماعیل رضایی، در دادگاه نظامی به اعدام محکوم و در یازدهم آبان 1342 تیرباران شدند. شهید حاج اسماعیل رضایی در ذیل ورقه دادگاه چنین نوشت: اگر صد سال زندگی کنم، مرگ به این سعادتمندی نخواهم داشت چرا تقاضای عفو کنم و از این سعادت درگذرم؟" رژیم با معرفی، محاکمه و اعدام طیب حاج رضایی و برادرش اسماعیل رضایی که در بین مردم دارای نفوذ و محبوبیت بودند، قصد داشت تا قیام بزرگ مردمی و برخاسته از اعتقادات مذهبی مردم در 15 خرداد 42 را که در راه دفاع و حمایت از یک مرجع دینی ابراز شده بود، یک جنجال وابسته به بیگانه و ایادی وابسته آنان در داخل تلقی کرده و عاملان آن را مشتی فرصت‏طلب و قلدر معرفی نماید.

15 فروردین 1343

آزادي امام خميني از حصر

امام خميني در روز عاشوراي 1383 ه . ق مطابق سيزدهم خرداد 1342 سخنراني تاريخي در مدرسه فيضيه عليه رژيم شاه و عمال و اربابان آن انجام دادند که در حقيقت نقطه عطفي براي انقلاب اسلامي ايران به شمار مي رود . در اين سخنراني امام اعلام داشتند که هدف نهضت مبارزه با شاه و اسرائيل و حفظ اسلام از خطر اين دو مي باشد . به دنبال اين سخنراني عوامل رژيم حضرت امام را دستگير کردند که خشم ملت از اين اقدام منجر به قيام پانزده خرداد شد که با قتل عام تظاهرکنندگان و به راه انداختن حمام خون لکه ننگي در تاريخ براي رژيم پهلوي ثبت شد و اين تاريخ نقطه آغازي براي انقلاب اسلامي ايران گرديد. اين اقدام فاجعه آميز باعث شد که عليرغم سانسور شديد ، افکار عمومي داخلي و حتي جهان اسلام ساکت ننشيند و به دفاع از حريم روحانيت اسلام و مرجعيت شيعي بپردازد . در 11 مرداد 1342 رسانه هاي گروهي خبر از آزادي امام دادند اما اين آزادي نمايشي در مدت کوتاهي تبديل به حصر گرديد و رژيم نخست امام را از زندان پادگان عشرت آباد به داووديه و از آنجا به قيطريه انتقال داد و ايشان در يک منزل شخصي ، تحت نظر و مراقبت شديد ماموران قرار گرفتند. اما موج خشم و اعتراض مردم و روحانيون ادامه يافت تا اينکه رژيم مجبور شد با يک سلسله تمهيدات به منظور جلوگيري از ابراز احساسات مردم و حوزه ، ايشان را در تاريخ 15 فروردين 1343 آزاد کند. رژيم شاه سعي کرد با توطئه اي خطرناک همزمان با آزادي رهبر نهضت اسلامي اينگونه وانمود کند که ايشان با رژيم تفاهم کرده و با برنامه هاي انقلاب شاه و ملت همراه شده اند ، اما امام بلافاصله پس از آزادي در روز 21 فروردين 1343 با نطقي کوبنده عليه رژيم اين توطئه را خنثي کرده و بار ديگر خطوط نهضت اسلامي را ترسيم کرده و سازش ناپذيري خود را به اثبات رساندند.



3مرداد 1343

تصویب قانون کاپیتولاسیون در مجلس سنا

در تاریخ ایران حق قضاوت کنسولی یا کاپیتولاسیون چند بار به بیگانگان اعطا شده است . شاه سلطان حسین صفوی و فتحعلیشاه (پس از شکست در جنگ ترکمانچای) ، از این امتیاز برای حفظ تاج و تخت خود استفاده نمودند تا از اشغال پایتخت توسط بیگانگان جلوگیری کنند. با این حال این عمل به قدری در نظر مردم قبیح جلوه میکرد که این پادشاهان به عنوان خائنین به ایران در تاریخ ثبت شده اند. اما باید گفت مفتضحانه‌ترین تصویب لایحه کاپیتولاسیون در زمان محمدرضاشاه رخ داد که در مجلس و آن هم در زمانی اعطا می‌گردید که اکثر مردم بیدار شده‌ بودند. سردمداران مملکت در ازای دریافت دویست‌میلیون‌دلار وام مرتکب چنین خیانتی ‌شدند. درواقع شاه در مقام شخص اول کشور درحالی این ننگ را احیا می‌کرد که چندی قبل لغو شده بود . با سفر شاه به امریکا در تیرماه 1343 و مذاکراتی که صورت گرفت، امریکا اعطای کمکهای نظامی را به وضع مقرراتی در زمینه مسائل قضایی منوط کرد. شاه برای دریافت دویست‌میلیون‌دلار کمک نظامی، به امریکا قول مساعد داد. پس از بازگشت شاه از امریکا، لایحه کاپیتولاسیون در مجلس سنا طرح گردید .در سوم مرداد 1343 مجلس سنا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل داد تا به بررسی لایحه چندفوریتی بپردازد. این جلسه از صبح تا نیمه‌شب ادامه داشت و سرانجام در نیمه‌شب لایحه کاپیتولاسیون مطرح گردید. حسنعلی منصور نخست وزیر وقت ، برای طرح لایحه تقاضای فوریت کرد. مجلس سنا وارد شور گردید و جلسه سرانجام ساعت دوازده شب خاتمه یافت. در این جلسه، عده‌ای از سناتورها ناراضی بودند ولی نمی‌توانستند نارضایتی خود را ابراز نمایند. پس از این ، لایحه در تاریخ بیست‌ویکم مهرماه 1343 در مجلس شورای ملی نیز مطرح شد و در غیاب رئیس مجلس و 25 تن از نمایندگان به تصویب رسید . لایحه مزبور با هفتادوچهار رای موافق و شصت‌ویک رای مخالف تصویب گردید. لایحه کاپیتولاسیون سرانجام سه‌ ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با تصویب شورای انقلاب و دولت موقت، لغو گردید.



11 مرداد 1343

انتقال امام به داودیه

روز جمعه 11 مرداد 1342 مطابق با 12 ربیع الاول 1383، پاک روان، رییس سازمان جاسوسی باصطلاح امنیت ایران، به دیدار امام خمینی در پادگان عشرت آباد رفت و خطاب به سرهنگ مولوی، رییس سازمان جاسوسی تهران، اظهار داشت که "وسایل و اقدمات آزادی آقا را فراهم کنید که همین امروز از اینجا تشریف ببرند".امام خمینی باتفاق حضرت آیت الله آقای قمی با ماشین بنزی با همراهی سرهنگ مولوی و چند تن از مامورین ساواک از پادگان عشرت آباد به "داودیه" ، در 12 کیلومتری تهران، به خانه ای که مربوط به ساواک بود منتقل گردید. غرض رژیم از بردن امام به داودیه، دور نگه داشتن ایشان از مراکز پر جمعیت تهران بود، چرا که میدانست اگر ایشان را در خود تهران آزاد سازد موجب پدید آمدن شور و هیجان و موج سهمگینی خواهد شد که هرگز تهران به خود ندیده باشد و ممکن است شورش طوفان باری را بدنبال داشته باشد که خاموش ساختن آن به آسانی ممکن نگردد. ولی علیرغم کلیه تدابیر امنیتی، تدارکات، پیش بینی ها و پیش گیری های دمنه دار و همه جانبه هنوز ساعتی از آزادی امام نگذشته بود که خبر آن برق آسا در سراسر تهران انعکاس یافت و تهران را تکان داد؛ و مردم فوج فوج به دیدار امام در داودیه رفتند.



21 مهر 1343

تصويب لايحه ننگين کاپيتولاسيون توسط مجلس شوراي ملي

پس از آن که کابينه اسداللَّه عَلَم، به دستور شاه، پيشنهاد آمريکا مبني بر اعطاي مصونيت قضايي به اتباع آمريکايي را به صورت يک لايحه قانوني در دولت تصويب کرد، اين لايحه در نهايت در يک جلسه پر سر و صداي مجلس شوراي ملي با نطق موافقين و مخالفين علي‏رغم رأي بالاي مخالفان، به تصويب رسيد. با تصويب اين قانون، مستشاران نظامي آمريکا در ايران از مصونيت‏ها و معافيت‏هاي قضايي بهره‏مند شدند. اين مصوبه که به صورت قانوني، سند اسارت ملت و دولت ايران را به دست آمريکا امضا مي‏نمود، در حقيقت، روح و جان انقلاب شاه و آمريکا بود که اينک برملا مي‏گرديد. تصويب اين لايحه در مطبوعات اعلام نشد ولي پس از مدتي که از تصويب آن گذشت، حضرت امام خميني(ره) از آن مطلع شدند. با آگاهي امام از مفاد اين مصوبه، ايشان با درايت و دورانديشي خاص خود، در سخنراني رسواگرانه‏اي، عواقب شوم اين لايحه را مطرح ساخته و از دولت خواستند که آن را ملغي نمايد. رهبر نهضت در اين سخنراني طوفان‏زا، نفوذ آمريکا را به همه اعلام خطر کردند و فرمودند: "امروز تمام گرفتاري ما از آمريکا و اسراييل است" به دنبال اين سخنراني، اعلاميه امام نيز در تيراژ بسيار زياد و در سطح گسترده‏اي با شيوه‏اي ابتکاري در يک زمان پخش گرديد. امام در اين اعلاميه، تصويب کاپيتولاسيون را اقرار به مستعمره بودن ايران ناميدند و راي ننگين مجلسين را مخالف اسلام و قرآن شمردند. اين سخنراني امام در چهارم آبان 1343 و نيز صدور اعلاميه توسط آن حضرت، به رژيم بسيارگران آمد و پس از چند روز در زمان دولت حسنعلي منصور، حضرت امام را در سيزدهم آبان 1343 به ترکيه تبعيد کردند. اين قانون خفت بار و ننگين سرانجام با پيروزي انقلاب اسلامي براي هميشه لغو شد.

4 آبان 1343

سخنرانی افشاگرانه امام خمینی درباره امتياز کاپیتولاسیون

امام که از حضور مستشاران نظامى و امنيتى امريکايى، انگليسى و اسرائيلى و عملکرد زيانبار و اسارت آور آنها در کشور آگاهى داشت، چند روز پس از تصويب لايحه کاپيتولاسيون براى نظاميان امريکايى در مجلس شوراى ملى (21 مهر 1343) از ماجرا اطلاع يافت و با مطالعه متن صورت مذاکرات مجلس، به جزئيات آن ‏آگاه شد. ايشان بلافاصله مراجع و علماى قم را به تشکيل جلسه هفتگى فرا خواند و با ارسال تلگرام و پيک‏هايى علماى ساير شهرها را در جريان امر قرار داد. سپس اعلام داشت که در روز 20 جمادى الثانى (برابر با 4 آبان) در منزل خود سخنرانى خواهد کرد. رژيم که از تصميم امام اطلاع يافت، پيکى به قم فرستاد تا با امام ديدار کرده و ايشان را از تصميم خود منصرف سازد، ولى امام حاضر به ديدار وى نشد و به ناچار او با فرزند امام (حاج آقا مصطفى) ديدار کرد و با زبان نصيحت و تهديد اظهار داشت: «...آمريکا به منظور کسب وجهه در ميان مردم ايران با تمام قدرت فعاليت مى‏کند و پول مى‏ريزد و از نظر قدرت در موقعيتى است که هرگونه حمله به آن به مراتب خطرناکتر از حمله به شخص اول مملکت است! آيت الله خمينى اگر اين روزها بنا دارند نطقى ايراد کنند بايد خيلى مواظب باشند که به دولت امريکا برخوردى نداشته باشد که خيلى خطرناک است و با عکس العمل تند و شديد آنان مواجه خواهد شد.ديگر هرچه بگويند - حتى حمله به شخص شاه - چندان مهم نيست!» امام بدون توجه به اين تهديدها اعلام کرد که در 20 جمادى الثانى، روز ميلاد حضرت زهرا (س)، که برابر با 4 آبان ماه بود سخنرانى خواهد کرد.صبح آن روز امام خمينى در حالى که بسيار بر افروخته و خشمگين به نظر مى‏رسيد در حضور هزاران نفر از مردم قم وتهران که از ساعاتى پيش در منزل و کوچه‏هاى اطراف منزل امام اجتماع کرده بودند بيانات تاريخى خود را ايراد کرد. امام سخنان خود را پس از نام خدا با آيه استرجاع (انا لله و انا اليه راجعون) شروع نمود که نشان دهنده مصيبت‏بزرگى بود که بر اسلام و مسلمين وارد آمده است.همچنين تاثر قلبى خود را از اين مصيبت ابراز داشت و اعلام عزاى عمومى کرد: ايران ديگرعيد ندارد، عيد ايران را عزا کردند...و چراغانى کردند، عزا کردند و دسته جمعى رقصيدند...استقلال ما را فروختند، باز هم چراغانى کردند، پايکوبى کردند. اگر من به جاى اينها بودم اين چراغانى‏ها را منع مى‏کردم. مى‏گفتم بيرق سياه بالاى بازارها و...خانه‏ها بزنند، چادر سياه بالا ببرند! سخنان تکان دهنده، تاثر انگيز و مقطع امام، هر بار با فرياد شيون و زارى مردم حاضر همراه مى‏شد. پس از اين مقدمه، امام ضمن شرح لايحه کاپيتولاسيون که در مجلس به تصويب رسيد نتايج ‏سياسى - اجتماعى آن را با ذکر مثال‏هايى خاطر نشان ساخت: اگر يک خادم امريکايى يا يک آشپز امريکايى مرجع تقليد شما را در وسط بازار ترور کند، زير پاى خود منکوب کند، پليس ايران حق ندارد جلوى او را بگيرد! دادگاه‏هاى ايران حق محاکمه ندارند! ...بايد پرونده به امريکا برود و در آنجا ارباب‏ها تکليف را معين کنند...دولت [ايران] با کمال وقاحت از اين امر ننگين طرفدارى کرد.ملت ايران را از سگ‏هاى امريکايى پست‏تر کردند! ..چرا! براى اينکه مى‏خواستند وام بگيرند امريکا خواست که اين کار انجام شود. امام خمینی، مجلس و دولت را که «ربطى به ملت ندارند» عامل اين ننگ و فضاحت دانست و تاکيد کرد که اگر روحانيون در مجلس بودند اجازه نمى‏دادند امريکا، انگليس و اسرائيل بر سرنوشت کشور مسلط شوند و عمال خود را بر ملت تحميل نمايند و يک دست نشانده امريکايى (نخست وزير)، چنين غلطى بکند. سپس متواضعانه نسبت ‏به خطر اين قانون ننگين به ارتش، سياسيون، بازرگانان، مراجع، علما و فضلا اعلام خطر کرد و با اشاره به حضور نظاميان امريکايى در ايران، خطاب به شاه فرمود: نظامى‏هاى امريکا و مستشاران نظامى امريکا براى شما چه نفعى دارند؟ اگر اين مملکت در اشغال امريکاست، پس چرا اينقدر عربده مى‏کشى؟ چرا اينقدر دم از ترقى مى‏زنى؟ اگر اين مستشاران نوکر شما هستند، چرا از ارباب‏ها بالاترشان مى‏بريد؟ اگر نوکرند با آنان مثل ساير نوکرها عمل کنيد. پس از آن با شرح فلاکت و بدبختى مردم و قروض خارجى دولت و به دنبال آن وابستگى روز افزون کشور به امريکا، فرياد برآورد که «والله گناهکار است کسى که داد نزند، والله مرتکب گناه کبيره است کسى که فرياد نزند» ، و به دنبال آن از علماى قم، نجف، ملت‏هاى مسلمان، رهبران اسلامى و رؤساى جمهور کشورهاى اسلامى استمداد کرد که به داد ملت مظلوم ايران برسند، همچنين همه قدرت‏هاى غربى و شرقى و در راس آنها آمريکا را که مؤيد رژيم شاه بودند، به شدت محکوم نمود. آمريکا از انگليس بدتر، انگليس از آمريکا بدتر، شوروى از هر دو بدتر، همه از هم بدتر و همه از هم پليدترند، ليکن امروز سر و کار ما با امريکاست.رئيس جمهور امريکا...اين معنا را بداند که امروز در پيش ملت ما از منفورترين افراد بشر است که چنين ظلمى به ملت اسلامى کرده است...امروز تمام گرفتارى ما از امريکاست، تمام گرفتارى ما از اسرائيل است، اسرائيل هم از امريکاست، اين وکلا هم از امريکا هستند، اين وزرا هم از امريکا هستند، همه دست نشانده ‏امريکا هستند.اگر نيستند چرا در مقابل آن نمى‏ايستند داد بزنند؟ امام بار ديگر تاکيد نمود که نمايندگان مجلسين، نمايندگان واقعى نبوده و نيستند و اگر فرضا هم بودند به دليل تاييد و يا سکوت در مقابل اين تصويب نامه از نمايندگى مردم ساقط شده‏اند.در پايان خطاب به حاضران در مجلس و علما و روحانيون فرمود، موظفيد مردم را آگاه نماييد و به نمايندگان مجلس فرياد اعتراض برآوريد.سخنرانى با دعاى امام و آمين پرشور مردم به پايان رسيد. پس از اين سخنرانى، امام اعلاميه‏اى منتشر کرد و اقدام ننگين و اسارت بار دولت و مجلس را پيرامون تصويب لايحه کاپيتولاسيون افشا و محکوم نمود و آن را «سند بردگى ملت ايران‏» و «اقرار به مستعمره بودن ايران‏» و «ننگين‏ترين و موهن‏ترين تصويب نامه غلط دولت‏هاى بى حيثيت‏» ناميد و نوشت: اکنون من اعلام مى‏کنم که اين راى ننگين مجلسين، مخالف اسلام و قرآن است و قانونيت ندارد.مخالف راى ملت مسلمان است. وکلاى مجلسين وکيل ملت نيستند، وکلاى سرنيزه هستند.راى آنها در برابر ملت و اسلام و قرآن هيچ ارزشى ندارد و اگر اجنبى‏ها بخواهند از اين راى کثيف سوء استفاده کننده تکليف ملت تعيين خواهد شد. امام بار ديگر امريکا را عامل اصلى همه گرفتاريهاى مردم ايران و مسلمانان جهان معرفى کرد که به اسرائيل کمک کرده تا اعراب مسلمان فلسطين را آواره کند و دولت و مجلس ايران را تسليم خود کرده و روحانيت را به حبس و زجر و اهانت کشيده و غبار ورشکستگى و فقر را به رخسار بازرگانان و زارعان نشانده و اصلاحات شاهانه، بازار سياه براى امريکا و اسرائيل درست کرده است... سپس به مردم توصيه و تاکيد نمود: ...بر ملت ايران است که اين زنجيرها را پاره کنند، بر ارتش ايران است که اجازه ندهند چنين کارهاى ننگينى در ايران واقع شود... اين دولت را ساقط کنند، وکلايى که به اين امر مفتضح راى دادند از مجلس بيرون کنند...بر فضلا ومدرسين حوزه‏هاى علميه است که از علماي اعلام بخواهند که اين سکوت را بشکنند... بر جوانان دانشگاهي است که با حرارت با اين طرح مفتضح مخالفت کنند... بر دانشجويان ايراني ممالک خارجه است که در اين امر حياتي که آبروي مذهب و ملت را در خطر انداخته ساکت ننشينند. سخنرانى و اعلاميه امام بازتاب‏هاى متفاوتى داشت از يک سو برخى از وعاظ در منابر، مصوبه اخير مجلسين را شرح داده و عواقب اسارت بار آنرا متذکر شدند، که ساواک نيز بلافاصله دستور جلوگيرى و تعقيب آنان را داد. اقدام شديد امام از سوى رژيم شاه بدون پاسخ نماند.پس از چند روز مطالعه، به دستور مستقيم امريکا قرار شد که امام از ايران تبعيد شود. لذا در نيمه شب 13 آبان ماه 1343، صدها کماندو منزل امام را در قم محاصره کرده و به دور از چشم مردم، سراسيمه به منزل وارد شدند و ايشان را دستگير نمودند. امام را از در منزل تا سر خيابان با ماشين فولکس واگن آوردند و سپس سوار ماشين شورلتى که از قبل آماده شده بود کردند. ماشين امام به همراه چند مامور محافظ به سرعت از ميان صدها کماندو که ميدان و خيابان نزديک منزل امام را اشغال نموده بودند عبور کرد و ساعتى بعد به تهران رسيد. سپس ايشان را به فرودگاه مهرآباد آوردند و با هواپيماى بارى که از روز قبل به دستور شاه آماده شده بود. به همراه دو مامور امنيتى به تبعيدگاهش (ترکيه) فرستادند. همان روز راديو و مطبوعات کشور خبر دستگيرى و تبعيد ايشان را در يک جمله به اطلاع مردم ايران رساندند: طبق اطلاع موثق و شواهد و دلايل کافى، چون رويه آقاى خمينى و تحريکات مشاراليه، عليه منافع ملت و امنيت و استقلال و تماميت ارضى کشور تشخيص داده شد، لذا در تاريخ 13 آبان ماه 1343 از ايران تبعيد گرديد. مناسبت مرتبط: [تبعيد امام خميني به ترکيه](http://www.irdc.ir/event.asp?action=edit&id=58)

|  |
| --- |
|   [مقالات](http://www.irdc.ir/fa/articles/default.aspx)   [اخبار](http://www.irdc.ir/fa/news/default.aspx)   [سرمقاله ها](http://www.irdc.ir/fa/editorials/default.aspx)   [گفتگوها](http://www.irdc.ir/fa/interviews/default.aspx)   [انتشارات](http://www.irdc.ir/fa/books/default.aspx)   [طرح های پژوهشی](http://www.irdc.ir/fa/projects/default.aspx) [تقویم انقلاب](http://www.irdc.ir/fa/calendars/default.aspx)   [موسسه فرهنگی و انتشارات](http://www.irdc.ir/fa/entesharat/default.aspx)  |

13 آبان 1343

تبعيد امام خميني به ترکيه

کاپيتولاسيون یا حق قضاوت کنسولي، حقي است که به اتباع بيگانه داده مي‌شود و آن ها را از شمول قوانین کشور مصون و مستثنی می کند؛ درواقع در صورت ارتکاب جرم در خاک کشور، دولت ميزبان حق محاکمه آن مجرم را ندارد. کاپيتولاسيون ريشه در استعمار دارد و کشورهاي استعمارگران اين قانون را به کشورهاي ضعيف تحت‌ سلطه تحميل مي‌کردند؛ کاپیتولاسیون در ایران طی معاهده ترکمانچای برای اتباع روسیه به رسمیت شناخته شد و پس از آن نیز برخی کشورهای استعمارگر دیگر، این امتیاز نامشروع را بعلت ضعف حکومت های قاجاریه کسب کردند؛ اما، کاپيتولاسيون در سال 1306، تحت فشار افکار عمومي و فضاي حاکم بر روابط بين‌الملل پس از جنگ اول جهاني، لغو گرديد. هنوز بيش از سه دهه از الغاي کاپیتولاسیون نمي‌گذشت که محمدرضا پهلوي احياگر مجدد آن شد. کابينه اسدالله علم در سيزدهم مهر سال 1342، به دستور شاه، پيشنهاد آمريکا مبني بر اعطاي مصونيت قضايي به اتباع آمريکايي را به صورت يک لايحه قانوني در هيأت دولت تصويب کرد. چندي بعد اين خبر به حضرت امام رسيد و ايشان را به خروش و فرياد واداشت به طوريکه در 4 آبان 1343 ايشان طي نطقي تاريخي به رسوايي اين اقدام ننگين پرداختند. فرازهايي از سخنراني ايشان چنين بود: « ... دولت با کمال وقاحت از اين امر ننگين طرفداري کرد، ملت ايران را از سگ‌هاي آمريکايي پست‌تر کردند. اگر چنانچه کسي يک سگ آمريکايي را زير بگيرد، بازخواست از او مي‌کنند؛‌اگر شاه ايران يک سگ آمريکايي را زير بگيرد بازخواست مي‌کنند؛ و اگر چنانچه يک آشپز آمريکايي شاه ايران را زير بگيرد، مرجع ايران را زير بگيرد، بزرگترين مقام ايران را زير بگيرد، هيچ کس حق تعرض ندارد ...». رژيم که در طول دو سالي که امام قيام کرده بودند، نتوانسته بود با هيچ شيوه‌اي، ايشان را آرام کند، تنها يک راه پيش پاي خود مي‌ديد و آن تبعيد امام بود. در شب 13 آبان 1343، صدها کماندو به همراه مزدوران ساواک به منزل امام در قم حمله‌ور شدند ايشان را دستگير و به تهران منتقل کردند و سپس با يک هواپيماي نظامي ايشان را به ترکيه تبعيد کردند. این سرآغار هجرتی بود که 14 سال بعد پیروزی انقلاب اسلامی را به بار آورد. در همین رابطه مشاهده کنید: [سخنرانی امام خمینی علیه کاپیتولاسیون (4 آبان 1343)](http://www.irdc.ir/event.asp?action=edit&id=79)مقاله مرتبط:‌بازخوانی‌ پرونده‌ کاپیتولاسیون‌ در ایران‌